

# استکبار و تقوی!

## چرا نفی استکبار نخستین مرحله تقوا است؟

ما این سرای آخرت (بهشت ابدی) را برای آنانکه در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص میگردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است « چنانکه خوانندگان ملاحظه می کنند خداوند کسانی را جزو متقین می داند که اراده علو (آری اراده علوا) در روی زمین نکنند و اراده فساد در روی زمین نمایند نه اینکه تنها از باب اتفاق، علوی و فسادی نداشته باشند و منظور اسلام این نیست که علو و فساد را بدون اراده انجام ندهند بلکه اسلام می خواهد فساد و علو را از روی اراده انجام ندهند و بدون اینکه زمینه

واژه «استکبار» و «تقوا» دو حالت متضاد روحی هستند که هرگز با یکدیگر سازگار نیستند و بین آنانان تباین وجود دارد یعنی هیچ فرد پارسائی، نمیتواند مستکبر باشد و هرگز هیچ مستکبری نمیتواند تقوای بمعنای واقعی کلمه داشته باشد و قرآن در این مورد ظرافت خاصی بکار برده این حقیقت را بایبانی جالب و لطیف ذکر کرده است و در معرفی پرهیزکاران چنین می گوید: «تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فسادا و العاقبة.. للمتقين» (۱)

(۱) سورة قصص آیه ۸۳

عملی آن در جامعه فراهم باشد و عبارت دیگر اسلام با این حکیمان می‌خواهد ریشه علو و استکبار و فساد را از مغزها و اعماق جان‌ها بیرون آورده و تصرف در روح و نفس آدمیان نماید و از منشاء اصلاح کرده، زمینه رشد جرثومه فساد و استکبار و علو را کاملاً از بین ببرد که زهر بنای اصلاح اکثر امور جوامع می‌باشد! از این جا ماهیت تمام داعیان دروغین حقوق بشر و طرفداران تسلیحات اخلاقی! و غیر آنان از کسانی که داعی اصلاح جوامع بشری را دارند (البته اگر حسن نیت داشته باشند که ندارند و طرفدار واقعی اصلاح باشند که نیستند) بخوبی روشن می‌شود زیرا طرفداران تسلیحات اخلاقی تمام زمینه‌های فساد و علو را در جوامع آزاد می‌گذارند و با آنها مبارزه اساسی و بی‌گیر نمی‌کنند (بلکه نمی‌خواهند بکنند) و تنها به لفاظی می‌پردازند و شعار می‌دهند و از جهانیان می‌خواهند بسوی اخلاق نیکو روی آورند و فساد نکنند! و مثل داعیان دروغین اصلاح بشر درست‌مشکل آن دزد خروس که دم آن از آن طرف پیدا است می‌باشد و از این‌گونه تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه بر حجم مشکلات و دردها و گرفتاریهای جامعه‌ها می‌افزایند زیرا بیراهه می‌روند و دنیا را به بیراهه می‌کشاند.

(۱) معالم العبر ص ۵۳

و بجز آن می‌توان ادعا کرد که برنامه‌های روشن و اصیل و شیوه‌هایی که اسلام برای پیشبرد اهداف عالی انسانیت و اداره آن در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اصلاح جامعه و قطع ریشه‌های فساد پیشنهاد کرده است در هیچ کدام از مذاهب و ادیان و گروه‌های اصلاح امور دنیا و اداره آن، به چشم نمی‌خورد.

جالب توجه اینست که از راز (عدم اراده علو و عدم استکبار) در برخی از روایات بعنوان (اولین درجه تقوا) تعبیر آورده شده است و آنچه مذکور بنحو جالبی تفسیر شده است.

امام صادق (ع) در ضمن يك حديث طولانی چنین می‌فرماید: **ولا يطلب الدنيا تكاثراً و تفاخراً و لا يطلب عند الناس عزاً و علواً و لا يدع ایامه باطلاً فهذا اول درجة التقى قال الله تعالى: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض و لا فساداً و العاقبة للمتقين» (۱)**

«هدف اصلی از زندگی دنیا را تکثیر و تفاخر ندان و عزت از مردم طلب نکن و استکبار نداشته باش و زندگی (و روزها و شب‌های این دنیا) را بهیوده و عبث نگذران و این، اولین درجه تقوا است (بطوریکه هر انسان متقی باید آنرا داشته باشد) چنانکه خداوند (در قرآن مجید) می‌فرماید ماسرای آخرت را برای آنانکه در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند

مخصوص مسی گردانیم و حسن عاقبت  
مخصوص پرهیزکاران است .»

آری تقوا در جاتی دارد که باید در  
مسیر تکامل آن درجات راجعاً تا به قرب  
پروردگار رسید و عدم تکاثر و تفاخر و عدم  
استکبارتنها اول درجه تقوا بشمار می رود  
و از عبارت (اول درجه التقوی) این نکته  
جالب استفاده می شود که تقوا در جاتی  
دارد که بر یکدیگر مترتب هستند بدین  
ترتیب که اولاً اینطور نیست که باسانی  
بتوان متقی شد و یا تظاهر به تقوا و با  
بکار بستن چند عمل نیکو نمیتوان عنوان  
مقدس تقوا را بر خویشتن پیرایه بست  
چنانکه با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین  
نمیگردد .

و ثانیاً تقوا مراحلی دارد و درجاتی که  
باید آنها را با دقت و حوصله و پشت کار و  
ممارست و ... پیمود و این مراحل نیز در  
طول هم قرار دارند و مترتب بر یکدیگر  
هستند بطوریکه درجه اول را بخوبی با  
شرایط خود نپیمائیم هرگز بدرجه دوم و  
سوم و ... نمی رسیم و درست مانند پله های  
نردبان که با گذشتن از یک پله به پله  
دیگری می رسیم تا بمقصد نهائی و لا غیر و از  
اینجا درمی یابیم که باید پوسته قشری خود  
را که همانا تظاهر و تفاخر و استکبار و  
حالت روحی خودخواهی و خود بینی و ...  
است بشکنیم تا مرغ روح بتواند در فضای  
آزاد بیکران معنویت به پرواز درآید و از

عالم مادیت که همان محدودیت و عالم  
تزام می باشد خارج شده در عالم معنویت  
بر از نشاط و لذت دور از هر گونه التزام  
گام بردارد .

\* \* \*

### تقوا و نفاق

متقین کسانی هستند که در این دنیا  
کارهایی انجام می دهند که در سرای دیگر  
مورد نیاز آنان می باشد و از اعمالی دوری  
کنند که مانع ترقی و تکامل روحی آنان  
بوده موجب بدبختی در این دنیا و عذاب  
در دنیای دیگرشان می شود بخلاف کفار  
و مشرکین و منافقین که آنان دقیقاً اعمالی  
انجام میدهند که ظاهراً بنفع زندگی آبی  
و زود گذر آنان است ولیکن نه تنها تناسبی  
با بهبود وضع آنان در سرای دیگر ندارد  
بلکه موجب خذلان و بدبختی و سقوط  
است .

مثل متقی و غیر متقی در این عالم درست  
مثل جنینی در رحم مادر می باشد که اعمال  
بدنی و رشد جسمی و روحی او بیشتر برای  
زندگی در دنیای بعد جنینی مورد نیاز است  
یعنی پرهیزکاران با تحمل مشقات زیاد و  
کف نفس و خوداری از معاصی در حقیقت  
زمینه سعادت اخروی خود را فراهم می -  
سازند چنانکه کفار و منافقین و مشرکین  
درست در خلاف مسیر تکامل خویش حرکت  
می کنند و راه سعادت و نیاز روحی خود را  
در سرای آخرت بدست خود اختیاراً بروی

خود می بندند .

شناسیم بلکه صفات و نشانه‌های دیگر ری دارند که بدینوسیله می‌توان آنان از غیر، تشخیص داد و گول شیادان را نخورد ، امام باقر (ع) بنقل از علی (ع) صفات متقین را چنین می‌شمارد :

علی (ع) همواره می‌فرمود: اهل تقوا نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می‌شوند: راست گوئی و اداء امانت و وفا بعهد و کمی ناتوانی کمی بغل و رسیدگی بخو- بشاوندان خود (صله رحم) و مهره سانی بزیردستان و ضعیفان و در بست در اختیار زنان نبودن و نیکوکاری و خوی نیک و زیادی بردباری و پیروی از علمی که انسانها را به خدا نزدیک گرداند - بهشت جای چنین کسانی است و چه جای خوبی است! (۱) .

از این جهت است که دیدگاه متقی و اندیشه و نظر وی همه مراحل زندگی در این دنیا و آن دنیا نسبت به حقایق و افراد و دوستان خود نه تنها فرقی نمی‌کند بلکه رو به تکامل می‌رود و بینش روشنتر و صحیح‌تر پیدا می‌کند .

و اما غیر متقین در دنیا اگر نسبت بهم دوست باشند و لکن دوستی آنان بر محور منافع مادی زودگذر بوده، پایدار نمی‌باشد قرآن کریم این واقعیت را بنحو بارزی نقل می‌کند: «...الا خلاء یومئذ بعضهم بعضاً عدو الالمتقین» «... آنروز دوستان با یکدیگر دشمنند بجز متقیان (که اهل تقوا، دوستیشان با هم در دنیا و آخرت پایدار است) . ماهره‌زکاران راتنها با این نشانه‌می-

(۱) «... کان امیرالمومنین (ع) یقول ان لاهل التقوی علامات یعرفون بها صدق الحدیث و اداء الامانة و وفاء بالمهد و قلة المعجز و البخل و صلة الارحام و رحمة الضعفاء و قلة المؤاتاة للنساء و بذل المعروف و حسن الخلق و سعة العلم و اتباع العلم فیما یقرب الی الله طوبی بهم و حسن ما ب...» (بحار ج ۷-۲۸۲)

و افزایش تولید نیز ، بدنبه خود سبب افزایش تقاضا می‌گردد .

ولی باید توجه کرد آن تقاضائی که مایه بالارفتن تولید شده، غیر از آن تقاضائی است که معلول افزایش تولید می‌باشد هر چند هر دو تحت عنوان «الزایش تقاضا» قرار می‌گیرند .

پایه از صفحه ۱۹

نیست بلکه تغییر شکل يك پدیده مطرح می‌باشد .

در مثال اجتماعی که می‌زند عین این اشتباه حاکم است می‌گوید: افزایش تقاضای بعضی کالاها موجب افزایش تولید آن کالامی‌شود